

# حسکی ناندیر

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

عبدالمجید رحمانیان



انشارات پیام آزادگان

# خستگی ناپذیر

عبدالمجید رحمانیان

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و حروف چینی: مریم مردانی

طراح جلد: سیدشهاب‌الدین طباطبایی

ناظر چاپ: کاظم رحمانیان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: خانه چاپ کتاب

نوبت چاپ: پنجم / ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۶۸ - ۹

|                      |  |
|----------------------|--|
| سرشناسه              | : ایوتراپی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۱۸ - ۱۳۷۹.                |
| عنوان و نام‌پیداوار  | : خستگی ناپذیر / عبدالمجید رحمانیان.                 |
| مشخصات نشر           | : تهران، پیام آزادگان، ۱۳۹۵.                         |
| مشخصات ظاهری         | : ۳۱۲ ص: مصور (بخشی رنگی).                           |
| شابک                 | : 978-600-5013-68-9                                  |
| وضعیت فهرست‌نویسی    | : فهیبا  |
| موضوع                | : ایوتراپی، علی‌اکبر، ۱۳۱۸ - ۱۳۷۹ -- خاطرات          |
| موضوع                | : آندرزگو، علی، ۱۳۱۸ - ۱۳۵۷.                         |
| موضوع                | : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- آزادگان -- خاطرات |
| شماره افزوده         | : رحمانیان، عبدالمجید ۱۳۴۱ - گردآورنده               |
| ردمبندی کنگره        | : ۱۳۹۵ ۲۳/۳ الف / DSR ۱۶۲۹                           |
| ردمبندی دبیوبی       | : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲  |
| شماره کتاب‌شناسی ملی | : ۳۰۷۸۴۴۲  |

نشانی: تهران - بین میدان فردوسی و استاد نجات‌اللهی - کوچه

لیایی - پلاک ۸ - تلفن: ۱۷ و ۸۸۸۰۷۰۱۵ شماره: ۸۸۸۰۰۰۱۶

قبر: خیابان هنرستان - بسیج ۱۱، روبه‌روی خیابان شهید رجایی، انتهای

کوچه سمت راست، پلاک ۲۰ - تلفن: ۲۷۸۲۸۶۰۷ - ۰۲۵

|    |                         |
|----|-------------------------|
| ۱۳ | پیش‌گفتار               |
| ۱۷ | کتاب اول: آن یار آسمانی |
| ۱۹ | بیان حقیقت              |
| ۲۳ | گفتار اول:              |
| ۲۵ | آغاز آشنایی             |
| ۲۸ | انتخاب روش مبارزه       |
| ۳۳ | پیوند آسمانی            |
| ۴۲ | انقلابی صادق            |
| ۴۸ | در مسیری خطرناک         |
| ۵۴ | مبارزه‌ای دشوارتر       |
| ۶۰ | ضربه کاری               |
| ۶۷ | پرواز به سوی ملکوت      |

www.ketab.ir

گفتار دوم: ..... ۶۹

روح آرام و قلب مطمئن ..... ۷۱

اطمینان قلبی ..... ۷۳

وفای به عهد و دربه‌دری‌ها ..... ۷۵

شیخ عباس را می‌شناسی؟ ..... ۷۹

دست انداختن ساواک ..... ۸۲

آن روح با توکل ..... ۸۴

شجاعت سید ..... ۸۹

گفتار سوم: ..... ۹۱

تندیس معنویت ..... ۹۳

عنایت امام زمان (عج) ..... ۹۶

پناه بی‌پناهان ..... ۹۹

اوج یقین ..... ۱۰۳

روئای آرامبخش ..... ۱۰۷

آن مجاهد مهربان ..... ۱۱۰

کتاب دوم: حماسه‌های ناگفته ..... ۱۱۵

سیدعلی‌اکبر ابوترابی، یک دنیا اخلاص و محبت (به قلم دکتر مصطفی چمران) ..... ۱۱۷

شهید دکتر چمران؛ عبد صالح خدا (به قلم سیدعلی‌اکبر ابوترابی) ..... ۱۲۱

آخرین وداع ..... ۱۲۹

پیمان مرگ ..... ۱۳۲

خلاق در جنگ ..... ۱۳۵

آغاز مأموریتی دشوارتر ..... ۱۳۷

زندان‌های بغداد ..... ۱۴۱

افسری با روئای صادق ..... ۱۴۴



- ۱۴۶..... شب قدر برای شهادت آماده شدم
- ۱۴۸..... زندان وزارت دفاع
- ۱۵۰..... وحشت عراقی و خنده‌های آن شب زندان
- ۱۵۲..... خرد شدن ژنرال عراقی
- ۱۵۴..... سفر به جمع اسیران
- ۱۵۷..... اردوگاه عنبر و خواهران زندانی
- ۱۶۱..... باز هم بغداد
- ۱۶۳..... شهادت اسیران مظلوم
- ۱۶۵..... سفری پرماجرا
- ۱۶۹..... شرمنده محبت
- ۱۷۲..... پیرمردی شجاع و ایمن شهادت
- ۱۷۵..... روز خونین اسارت
- ۱۷۸..... رشد فضیلت‌ها
- ۱۸۰..... ایثارگران گمنام
- ۱۸۳..... محبت‌های فراموش ناشدنی
- ۱۸۵..... دشمنان یک بسیجی
- ۱۸۷..... عارف شب‌های اسارت
- ۱۹۰..... تحول درونی
- ۱۹۱..... مؤذن زندانی
- ۱۹۴..... به خاطر آسایش دیگران
- ۱۹۶..... چوب خیزران
- ۱۹۸..... شربت گوارا
- ۲۰۱..... معلم شهید اسارت
- ۲۰۴..... اعتراف دشمن
- ۲۰۶..... زیارت، هدیه‌ای الهی

- ۲۰۸..... شهیدی غریب
- ۲۱۰..... بایرداری اسرا
- ۲۱۱..... کتاب سوم: مهاجران ملکوت
- ۲۱۳..... سیدمحمد، امامزاده بزرگوار
- ۲۱۶..... کراماتی از جد مادری ما (آیت الله سیدمحمدباقر علوی قزوینی)
- ۲۲۵..... شگفتی های شهید نواب صفوی
- ۲۲۹..... شهید آیت الله فومنی، مبارزات و لحظه پرفروغ شهادت
- ۲۳۴..... آیت الله سعیدی و لحظه های شهادت
- ۲۳۹..... در محضر آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی
- ۲۴۱..... آیت الله شاهرودی، وادی السلام
- ۲۴۴..... علامه آیت الله سیدعلی قزوینی، شاه که سیدروح الله جوان را دید
- ۲۴۶..... علامه امینی و کرامت امیرالمؤمنین (ع)
- ۲۴۸..... شفای سیدی بزرگوار در اسارت
- ۲۵۱..... شفا دهنده من علی (ع) است
- ۲۵۴..... حاج حسن کفاش، مهمان امیرالمؤمنین (ع)
- ۲۵۷..... پیاده روی های عاشقانه برای زیارت
- ۲۶۰..... آقا حسین بن علی (ع) به استقبال زائران آمد
- ۲۶۲..... آقا فخر تهرانی و خاطره اخلاص پدر
- ۲۶۴..... امیرالمؤمنین (ع) در تشییع جنازه نجار قزوینی
- ۲۶۶..... سر بر زانوی آقا امام حسین (ع)
- ۲۶۸..... مناعت طبع آن آزاده، و آخرین لحظه حیات
- ۲۷۰..... قلب پاک آن نوجوان
- ۲۷۱..... باغی از باغ های بهشت
- ۲۷۲..... چشم های شفا یافته

- ۲۷۴..... تبسم امیرالمؤمنین(ع)
- ۲۷۶..... سینه چاک امام حسین(ع)
- ۲۷۸..... بوی عطر در حرم پیامبر خدا(ص)
- ۲۸۰..... به عشق امام حسین(ع)
- ۲۸۲..... به یاد امام زمان(عج) در مسجد سهله
- ۲۸۴..... اشک‌های امام زمان(عج)
- ۲۸۶..... یادگار اربعین حسین(ع)
- ۲۸۷..... مهر نگاه یار در مسجد جمکران
- ۲۸۹..... صدای دلنشین محبوبی از درون ضریح
- ۲۹۱..... قصری در بهشت
- ۲۹۳..... نعمت وجود فاطمه زهرا(س)
- ۲۹۵..... یا حسین می‌گفتم و غمگین بودم
- ۲۹۷..... حرمت انسان
- ۲۹۹..... عهد با امام رضا(ع)
- ۳۰۱..... حق شناسی زینب کبری(س)
- ۳۰۳..... خوابی که زود تعبیر شد
- ۳۰۷..... آلبوم خاطرات

## پیش گفتار

سید، روح بلندی داشت و با آسمان در تماس بود. از این رو بلاهای زمینی اهل دنیا را کوچک می‌پنداشت. آن گاه که توان‌ها به صفر می‌رسید، او در اوج توانایی بود و هرگز ندوه و غم بر جسم و جان اسرا غالب می‌شد، او منبع نشاط و شادابی بود.

در اوج فشار تبلیغاتی حاکم بر اسرا، سید با گفتار و رفتار خویش، یک تنه در برابر دشمنان می‌ایستاد و پرتو امید را بر دل‌های غمبار دوستان می‌افشاند. در گرمای ظهر تابستانی که بعضی‌ها سید را از میان اسرای تکریت جدا کردند و برای شکنجه و آزار به اتاق خود بردند، وقتی که فرمانده کینه‌توز عراقی ضربات کابل را پی‌درپی بر پیکر نحیف او وارد می‌آورد، در سکوت وحشت‌انگیز اردوگاه، در گرمای ظهر آتشین و غمبار بیابان‌های استان صلاح الدین، تنها نوای حزین و حماسی او به گوش می‌رسید که می‌گفت: «بازها! یا زهرا!»

اسرای منتظر، در حالی که آرام، قطرات اشک را پنهانی بر گونه‌های خویش سرازیر می‌کردند، او با لبخند آمیخته با سلام، قدم به آسایشگاه گذاشت. گام‌ها را با آرامش بر زمین نهاد و مصمم و جدی بر جای خویش آرام گرفت. جانماز



کوچکش را بر زمین گستراند و با خلوص و راستی، معراج روح را با اولین الله اکبر نماز آغاز نمود.

او ذکر الهی زمزمه می‌کرد و اسرا هماهنگ، آوای درونی خویش را با مهر و وفا سر می‌دادند:

«بوتراب! ای پرتو امیدها      بوتراب! ای هدیه‌ی پاک خدا»<sup>۱</sup>

خودتان را جای من بگذارید! می‌خواهید با سخنان خود کسی را معرفی کنید که ظاهری آرام و ساده دارد و باطنی پر رمز و راز. قلبش سرشار از ایمان به خداست و همه وجودش در محبت اهل بیت پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> غرقه گشته است. زاهدی است روگردان از دنیا، اما پرکار و تلاشگر. عابدی است با سجده‌های طولانی در پیشگاه خدا اما از آغاز جوانی در صحنه سیاست و مرتبط با مردم. روزه‌داری است بی‌ریا، در حالی که ورزشکاری است توانا.

در تنهایی‌هایش با خدا اشک از چشمانش می‌ریزد و در برخورد‌هایش با مردم، لبخند از لب‌هایش قطع نمی‌گردد. شب و روزش در خدمت به مردم می‌گذرد و هیچ گاه خسته نمی‌شود.

پناهگاه دردمندان و انیس بی‌کسان است. همدم مطرودان اجتماع است و گره‌گشای گرفتاران. با بزرگان حشر و نشر دارد، اما به همنشینی با ضعیفان بیشتر علاقه‌مند است. همه عمرش گمنام و پرتلاش در مبارزه به سربرده و زندان طاغوت و اسارتگاه‌های عراق را با تحمل شکنجه‌های توانفرسا بیش از ده سال سپری کرده است. اما از کسی توقعی ندارد. بسیار صبور و خوشرو و

۱. این متن در گردهمایی روحانیون، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آزاده، سال ۱۳۷۴ در تالار علامه امینی دانشگاه تهران، توسط نگارنده خوانده شد. در حالی که همه تحت تأثیر قرار گرفته بودند، حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی، سر را به زیر انداخته بود و از شدت ناراحتی لب‌های خود را می‌گریزد و گاه‌گاهی استغفار می‌کرد تا صدای گوینده را نشنود؛ او می‌خواست گمنام باشد و از ستایش دیگران به دور.

مهربان است، نه آن گونه که چشم طمع به چیزی داشته باشد. رازداری است امین و پارسایی است شجاع، نه آن طور که در پی نامی باشد. او به گمنامی بیشتر علاقه مند است تا به شهرت خواهی. نه به غیبت دیگران می پردازد و نه به دروغ رو می آورد. آرام سخن می گوید، اما سخنانش قاطع است. به همه سلام می کند، ولی از هیبتش کاسته نمی شود و ...

چگونه می شود چنین کسی را که به ظاهر «جمع الاضداد» است معرفی کرد. تنها باید گفت: «کاش او را می دیدی!» و باید به این بیت از لسان الغیب اکتفا کرد که:

آن یار کزو خانه ما جای پَری بود

تا قدمش چون پَری از عیب بَری بود

\*\*\*

کتاب حاضر با عنوان «خستگی ناپذیر» در سه بخش طراحی شده است؛ در بخش اول، سید آزادگان به رابطه خود با شهید سیدعلی اندرزگو می پردازد و گوشه هایی از شجاعت ها، کرامات و حالات معنوی و حماسی او را بیان می کند.

در بخش دوم از شخصیت عارف مجاهد، شهید دکتر مصطفی چمران سخن می گوید و خاطره هایی را از دوران اسارت خود می گوید.

در بخش سوم خاطره های خود را از عارفان و عالمان وارسته و کرامات آنها بیان می کند.

امید است خداوند از ما بپذیرد و در «یوم الحساب» شفاعت آن آبرومند نزد خدا ما را نیز شامل شود.